

جنایتکاران جنگی در پیشگاه عدالت



جنایتکاران جنگی به محاکمه کشانیده میشوند تا پاسخگوی جنایت خویش بوده و از عملکرد های خویش در زمان اقتدار شان ، دفاع نمایند. به همین سلسله اخیراً " خورخه ویدلا " رهبر حکومت نظامی ارژانتین بین سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۱ ، بار دیگر به محاکمه فراخوانده شد. وی در سال ۱۹۸۵ به جرم کشتن ۶۶ نفر، شکنجه ۹۳ نفر دیگر و بازداشت غیر قانونی بیش از ۳۰۰ نفر، به حبس ابد محکوم شده بود، اما در سال ۱۹۹۰ توسط کارلوس منم، رئیس جمهوری وقت عفو شد. آژانس خبر رسانی (بی بی سی) گزارش میدهد که خورخه ویدلا با چند دوسیه جنایی مواجه است، اما در این مورد خاص، در رابطه با قتل ۳۱ زندانی که مدتی پس از کودتا، از سلول های خود در زندان شهر کوردوبا بیرون آورده و تیرباران شدند، محاکمه می شود.

در گزارش آمده است : " ناظران خورخه ویدلا را طراح اصلی "جنگ کثیف" ارتش علیه مخالفان چپگرا می دانند.

بر اساس برآوردها، طی سال های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳ بین نه تا سی هزار نفر از مخالفان چپگرا توسط حکومت نظامیان ارژانتین کشته یا ناپدید شدند.

در آن سال ها، حکومت به بازداشت های گسترده، شکنجه و اعدام مخالفان چپگرای پرداخت. اجساد بسیاری از این افراد هرگز پیدا نشد. " در اخیر همین گزارش تذکر داده شده است که قرار است او در رابطه با دوسیه ربودن ۳۳ نوزاد مخالفان سیاسی نیز در ماه سپتامبر امسال محاکمه شود.

این جنایتکار جنگی که حتی بر نوزادان مخالفان سیاسی خویش نیز رحم نکرد، نظر به ملحوظات سیاسی و زد و بند های قدرت طلبی و شاید هم ارتباطات قومی و قبیله ای ، بعداً مشمول عفو رئیس جمهور وقت ارژانتین قرار گرفته و در خانه خویش زیر نظر بود.

در کشور ویرانه از جور یار و اغیار ما نیز داد و معامله های پیدا و پنهان قدرت طلبان و قدرت مداران با جنایتکاران جنگی بر همین منوال بوده و در داد و گرفت های سیاسی - نظامی و حفظ قدرت و موقعیت های گزرا ، جنایتکاران در بلند ترین مقامات لشکری و کشوری گمارده شده و به مکیدن خون مردم مظلوم افغانستان مشغول اند. اگر " خورخه ویدلا " رهبر حکومت نظامی در ارژانتین به جرم جنایت جنگی بار دیگر به محاکمه فراخوانده میشود ، چرا در سرزمین بلا دیده و ملا رسیده ما ، گلاب زوی ها ربانی ها و سیاف ها به محاکمه کشانیده نمیشوند؟ اگر رهبر نظامیان ارژانتین بار دیگر به جرم جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی به محاکمه کشانیده میشود تا پاسخگوی جنایات شرم آور و وحشت انگیز خویش باشد ، چرا در سرزمینی بنام افغانستان که یک جز از همین کره خاکی است ، جنایتکاران جنگی سه دهه پسین را نه تنها به محاکمه نمی کشانند، بلکه کثیف ترین و بی رحم ترین و شرور ترین جنایتکاران جنگی و

دپانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادښت: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولۍ

ناقضین حقوق بشر چون رشید دوستم ، قسیم فهیم ، عطا محمد نور ، کریم خلیلی ، محمد محقق و رسول سیاف و..... ، را تقدیر و تمجید نموده و سرنوشت مردم درد رسیده افغانستان را به دستان خونریز و ناپاک آنان تسلیم میکنند و بدین گونه به خون های پاک قربانیان جنایات جنگی آنها ، بی شرمانه می خندند.

اگر " خورخه ویدلا " در ارژنتین جنایت آفرید و خون بیش از سی هزار از هموطنان خود را بر زمین ریخت و حتی به اطفال و نوزادان مخالفین سیاسی خویش نیز رحم نکرد، امروز بار دیگر به محاکمه کشانیده میشود تا حساب جنایت هولناک خویش را پس دهد و عدالت مرعی الاجرا گردیده و بدین گونه آرامش به آن کشور برگردد و روح قربانیان جنایات وی بلاخره به آرمش رسیده و بازماندگان قربانیان مطمئن گردند که هیچ جنایتی بی بازخواست نخواهد ماند. اما در افغانستان درست بر عکس قضیه است و جنایتکاران جنگی سه دهه پسین در کشور جنگ زده و مصیبت دیده ما ، امروز دعوای ریاست جمهوری و وزارت و صدارت و سفارت دارند و در دوکنار حامد کرزی ، دو جنایتکار جنگی قرار دارند که هر روز مملکت را به فقهرا رهنمونی میکنند و به ریش قربانیان خویش نامردانه می خندند. شاید این یک نوع از دیموکراسی صادراتی امریکا به افغانستان باشد. به تحقیق چون دیموکراسی یک متاع صادراتی گردد، نتیجه بهتر از این نمی توان از آن توقع داشت.

و اما برگردیم به محاکمه جنایتکاران جنگی در خارج افغانستان . باز هم مشاهده میشود که جنایتکاران جنگی و ناقضین حقوق بشر در روی کره ارض یکی پی دیگر به محاکمه کشانیده میشوند و تفاوتی ندارد که آن جنایتکار جنگی هنوز هم در مسند قدرت قرار دارد یا خیر.

به همین سلسله محاکمه بین المللی جزائی در لاهه ، دومین حکم جلب " عمر حسن البشیر " رئیس جمهور سودان را صادر کرده است. وی قبلاً نیز به جرم جنایات جنگی علیه بشریت متهم گردیده و حکم جلب وی را در ماه مارچ 2009 میلادی صادر کرده بودند. اینبار وی به جرم نسل کشی به محاکمه لاهه جلب گردیده است. ... اتهامات اولیه علیه او در ارتباط با جنگ داخلی در منطقه دارفور، در غرب سودان، بوده است. گفته می شود در نبردهای هفت ساله در این منطقه، سیصد هزار نفر کشته شده اند. " بی بی سی)

(دارفور ناحیه ای است در غرب کشور سودان دربرگیرنده سه ولایت ، دارفور غربی، دارفور شمالی و دارفور جنوبی . گفتنی است مساحت دارفور به اندازه ایالت کالیفرنیا در امریکا است.) ویکیپدیا



و اما دولت سودان ضمن انتقاد از **افزودن اتهام نسل کشی** به دیگر اتهامات عمر البشیر رئیس جمهور این کشور، این اقدام را ترفندی سیاسی دانسته است .
و این خود به منزله آن تواند بود که دولت سودان به رهبری عمر حسن البشیر ، دو اتهام قبلی یعنی **" جنایات جنگی "** و نیز **" جنایت علیه بشریت "** را پذیرفته است و صرف به اتهام سوم یعنی **" نسل کشی "** اعتراض نموده است.
در همین حال، دو گروه اصلی شورشیان دارفور موسوم به جنبش عدالت و مساوات و ارتش آزادیبخش سودان، حکم جدید محاکمه بین المللی جنایات جنگی را " پیروزی برای دارفور " دانسته اند .
سارنوالان محاکمه بین المللی می گویند، البشیر شخصاً نیروهای خود را برای **حذف سه اقلیت قومی** در منطقه دارفور

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادښت: دلپکنې د لیکنیزې بڼې پاروالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

توجیه کرده بود .

و این درست همان جنایتی است که شورای نظار و جمعیت اسلامی بین سال های 1992-1996 در کابل و دیگر مناطق تحت سطریره شان انجام دادند و حامی از خون برپا نمودند.

آیا ما در افغانستان و یا خارج از افغانستان افراد آگاه ، مدبر و با درایت که در امور حقوقی و قضائی وارد باشند نداریم که دل به حال پیش از یکنیم ملیون قربانیان جنگ و بازماندگان معصوم آنان بسوزانند و به کمک مراجع حقوقی و جزائی بین المللی ، جنایتکاران جنگی سه دهه گذشته را به محاکمات بین المللی بکشانند؟ چرا تا امروز بجز از " اسدالله سروری " هیچ فرد دیگری از هیچ جناحی به محاکمه کشانیده نشده است؟ آیا جوابگوی همه جنایات " حزب دیموکراتیک خلق "، در افغانستان فقط و فقط " اسدالله سروری " است؟

از طرف دیگر دیده میشود که " اسدالله سروری " یا قصاب کابل با وجود شهادت صد ها نفر که شاهدان عینی جنایات وحشتناک وی در زمان اقتدار بودند و در محکمه حاضر شدند و شهادت دادند ، هنوز هم بدون کوچکترین تکلیفی مهمان عزیز حکومت موجوده بوده و همه شرایط یک زندگی آسوده برایش مهیا است و از کجا معلوم که هنوز هم مهمان حکومت باشد .

و اما در مورد محکمه " عمر حسن البشیر " در گزارش مذکور علاوه گردیده که محاکمه بین المللی جزائی در لاهه گفته است: "دومین حکم جلب، جایگزین اولین حکم جلب نیست و آن را لغو نمی کند". یعنی اینکه رئیس جمهور سودان دو حکم جلب از دیوان بین المللی جزائی لاهه دارد. چرا در افغانستان تا امروز حتی یک حکم جلب جنایتکاران جنگی از طرف محاکمات جزائی بین المللی صادر نگردیده است؟

جنایتکاران حزب دیموکراتیک خلق یک دهه جنایت آفریدند و خون خلائق ریختن و بیشر از یک ملیون افغان را از دم تیغ شقاوت شان گذشتاندند و بیشتر از هفت ملیون هموطنان ما را آواره و سرگردان و خانه به دوش و دربدر کردند و مملکت را به خاکدان سیاه نشانندند و صد ها هزار انسان را معیوب و معلول نموده و دهها هزار از فرزندان رشید این مرزو بوم را در شکنجه گاه های متعدد مرکز و ولایات ، به بدترین و وحشیانه ترین اشکال ممکنه ، شکنجه کرده و بعد زنده بگور کردند.....، اما هیچ کسی و هیچ مقامی و هیچ محاکمه در هیچ گوشه جهان برای این جانیان فرو مایه نگفت که به اصطلاح بالای چشم تان ابروست. بیشترین این جنایتکاران جنگی و ناقضین حقوق بشر امروز یا در هالند و آلمان و یا هم در امریکا و انگلستان پناه برده اند و هنوز هم به توطئه چینی و تفرقه اندازی مشغول اند.

آقای بشیر انکار کرده که دولتش به جنگجویان عرب، موسوم به جنجويد، اسلحه داده است.

این دیگر هیچ حرف و سخن تازه نیست . هیچ جنایتکاری در روی کره ارض تا امروز به جنایات خود اعتراف نکرده است. هیچ جنایتکار جنگی تا امروز از قربانیان خود حتی یک معذرت خشک و خالی هم نخواسته است. عمر بشیر هم از این قاعده کلی مستثنی نیست. دور نمی رویم و به کشور خود نگاهی می اندازیم و می بینیم که هیچ جنایتکار جنگی و هیچ ناقض حقوق بشر در سه دهه گذشته در سر زمین ما از جنایات خویش معذرت نخواسته است. لاقلاً این قلم از چنین چیزی تا امروز اطلاعی ندارد. نه کودتاچیان هفتم ثوری از جنایات بی حد و مرز شان از ملت معذرت خواستند و نه هم کودتاچیان هشتم ثوری و نه هم دنباله روان طالبی و ملیشه ئی و خادی و جهادی شان.

جالب اینجاست که جناب کرزی به اشاره اربابان امریکائی و انگلیسی خود از سازمان ملل متحد می خواهد که بیش از بیست تن جنایتکاران طالب را از لیست سیاه خویش بیرون نماید و از همه جالب تر اینکه در سخنرانی اخیر خویش در " جرگه صلح " کابل ، جناب کرزی مهربانی به طالبان را تا آنجا رسانید که به آنها " طالب جان " خطاب کرد . گلبدین حکمتیار هم پانزده نفر از افراد سر سپرده خود را به کابل فرستاد تا شرایط حزب وی را جهت مصالحه با مقامات حکومت کابل در میان گذارند و این افراد و جنایتکاران شناخته شده حزب اسلامی حدود دو هفته مهمان عالی قدر حکومت کابل بودند. گفته میشود که حامد کرزی در صدد است تا حکمتیار و ملا عمر را نیز داخل حکومت خویش نموده و دیموکراسی وارداتی را به بهترین وجه آن در کشور ما به نمایش گذارد. آیا حتی برای یکبار هم این جنایتکاران جنگی که تنها و تنها بین سالهای 1992-1996 در کابل خون بیش از شصت هزار هموطنان ما را ریختند و کابل زیبا را به ویرانه مبدل کردند ، از قربانیان خود معذرت خواسته اند؟!

نه این جانیان خونریز و جنایت گستر تا امروز ضرورتی برای معذرت خواستن احساس نکرده اند و شاید منتظر هستند تا مردم از آنان معذرت بخواهند.



به این تصاویر دقت کنید! آیا جنایت جنگی شاخ دارد یا دم؟ این یک نمونه کوچک از برخورد با یک اسیر جنگی بعد از سقوط طالبان است. اگر در دارفور و ارژنتین جنایت جنگی جرم است و جنایتکاران جنگی به محاکمه کشانده میشوند ، پس در افغانستان با این همه وسعت جنایت و با این همه درنده خوئی و قساوت و بی رحمی ، چرا جنایتکاران جنگی ، وزیر و کفیل و والی و وکیل ساخته میشوند؟

همین افراد جنایت گستر که با یک اسیر جنگی چنین معامله وحشتناک را انجام داده اند ، امروز در افغانستان جنرال و ستر جنرال و مارشال اند .

آیا مردم افغانستان روزی شاهد آن خواهند بود که جنایتکاران جنگی سی (30) سال گذشته در کشور ما به محاکمات بین المللی جزائی فراخوانده شوند و جوابگوی جنایات ننگین شان باشند؟

آیا ارژنتین و سودان و صربستان و.....، در نقشه سیاسی جهان و در روی کره ارض وجود دارند و افغانستان ندارد؟ آیا جنایت در یوگندا و بوسنیا جنایت است و در افغانستان نیست؟ آیا خون باشندگان زمین سرخ است و از افغان سفید؟

این سوال ها و بسا پرسش های دیگر صرف زمانی پاسخ خواهند یافت که در کشور ویرانه و بی در وپیکر ما یک حکومت ملی و مردمی بوجود آید و یک زعامت مدیر و قاطع و عدالت گستر ، زمام امور کشور را بدست گیرد که منافع افغانستان و مردم افغانستان را ارج گذارد. این مأمول زمانی جامه عمل خواهد پوشید که همه مردم افغانستان یک مشت بسته گردند و منافع کشور مشترک شانرا بالاتر از منافع قومی و قبیله‌ای و تباری و زبانی و مذهبی شان دانسته و در حفظ و نگهداشت منافع و افتخارت کشور شان متحدانه عمل کنند.

بیائید نگذاریم یک مشت افراد زبون و دون همت و بیگانه پرست ، بین ما تفرقه ایجاد کنند و آب به آسیاب اربابان خارجی شان ریخته کشور باستانی ما را زبانم لال به اضمحلال بکشانند.

بیائید نگذاریم تا بیگانگان طرح تجزیه ریخته و خواب پریشان شان به حقیقت مبدل گردد که در آنصورت نه تو خواهی بود و نه من و نه ما.

بیائید نگذاریم چند بیگانه از خدا بیخبر طرح شوم ملیشه سازی (پولیس محلی) را پیاده کرده و بین ملت شریف افغان تفرقه ایجاد نمایند و بدین شیوه آب را گل آلود نموده ماهی مطلوب خویش را صید نمایند. بیائید با تمام قدرت و توان در مقابل طرح خائنانانه ملیشه سازی (پولیس محلی) مقاومت کنیم و مشت دندان شکنی بر پوزه استعمار و استثمار حواله کنیم و به ملیشه سازی (پولیس محلی) **نه** بگوئیم.

بیگانگان طماع بخوبی دریافته اند که پیروزی از راه جنگ در کشور من و تو از محالات است و این جنگ هرگز برنده ندارد، چنان است که طرح های شوم تفرقه اندازی را روی دست گرفته و میخواهند اقوام شریف افغانستان را به زعم کثیف خودشان ، در قدم نخست به اقوام و در قدم های بعدی به قبیله ها و عشیره ها تقسیم نموده و همه را بجان همدیگر اندازند و به مقاصد شوم شان نائل آیند.

از همین روست که بیگانه‌ها بالای شریب‌ترین و خونریزترین و بی‌رحم‌ترین افراد در داخل افغانستان سرمایه‌گذاری نموده و دائماً آنان را زیر چتر حمایت خود قرار می‌دهند.

امروز کاملاً به اثبات رسیده است که کدام کشورها از کدام جنایتکاران جنگی و ناقضین حقوق بشر در داخل افغانستان حمایت میکنند و چه کسانی را در خارج از افغانستان گماشته‌اند تا به هر طریق ممکنه زهر تفرقه‌های قومی و زبانی را در کشور محبوب ما تزریق نمایند.

اگر چنین نیست و این کمترین بخطا رفته است، پس چرا در بیشتر از هشت سال گذشته حتی یک جنایتکار جنگی در افغانستان به محاکمه فرا خوانده نشد؟

ملی‌شده سازی یا همان (اربکی) ها یا شکل نوین آن (پولیس محلی) ، در زمان اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ روسی ، چنان وحشتی را در افغانستان ایجاد کرد که تا امروز مردم افغانستان از گند آن رهایی نیافته و ملیشه کثیف و خونریز به جنرال و استر جنرال و مجاهد کبیر و خالد بن ولید مبدل گردید و سر داکتر نجیب را خورد و وای به روز کرزی.

(پولیس محلی) درست همان سیاست غلط (ملیشه سازی) روس هاست که امروز تکرار میشود و این یک خیانت بزرگ است. یکروز بلیون ها دالر مصرف میکنند تا ملیشه ها را خلع سلاح نمایند و روز دیگر بلیون ها دالر مصرف میکنند تا ملیشه ها را دوباره مسلح سازند. این خود به وضاحت میرساند که نظامیان امریکائی و انگلیس و پنتاگون و قصر سفید در جنگ افغانستان در یک حالت تذبذب و سردرگمی قرار دارند و راه برون رفت از جنگ افغانستان را طوری جستجو میکنند تا پرستیژ و اعتبار شان در جهان خدشه دار نگردد و به اهداف دراز مدت خویش نیز نائل آیند.

ملی‌شده سازی (پولیس محلی) و طرح تجزیه کشور ما به دو بخش ، درست همان توطئه وحشتناک ای است که بدان وسیله می‌خواهند به اهداف شوم شان برسند. باید هوشیار و بیدار بود و این اهداف شوم را در نطفه خنثی باید نمود. از همین امروز باید آغاز کرد که فردا دیر خواهد بود.

تا یک نفر افغان است ، زنده افغانستان است

زنده افغانستان است ، تا یک نفر افغان است